

به نام خدا

## معرفی سبک‌های ادبی

اوبژکتیویسم (Objectivism)

سوبژکتیویسم (Subjectivism)

مصطفی ملک‌مکان

سر شناسه: ملک مکان، مصطفی، ۱۳۶۶ -  
عنوان و نام پدید آور: معرفی سبک های ادبی ابژکتیویسم (Objectivism)  
سوبژکتیویسم (Subjectivism)/مصطفی ملک مکان  
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.

ه مشخصات نشر: شیراز، شهید سخن، ۱۳۹۵

و حیت مهرست نویسی: فیبا

شابک: ۹-۳۴-۶۸۸۴-۶۰۰-۹۷۸

و موضوع: سبک شناسی

موضوع: Style, Literary

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ م ۷ م ۸ م ۲۰۳/ PN

رده بندی دیویی: ۸۰۰

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۱/۵

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹-۳۴-۶۸۸۴-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات شهید سخن

شیراز- فلکه هنگ- ساختمان سپهر- شماره ۱۷۷

فکس: ۰۷۱۱-۲۳۳۳۷۰۴

همراه: ۰۹۱۷۷۰۲۰۵۲۴

Email: javid207m@yahoo.com

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                  |
|------|----------------------------------------|
| ۵    | سخن ریسنده                             |
| ۹    | مقدمه                                  |
| ۲۳   | کلاسیسیسم (Classicism)                 |
| ۳۲   | قوانین و مرامت در کلاسیسیسم            |
| ۴۹   | رومانتیسیسم (Romanticism)              |
| ۷۹   | رنالیسم (واقع گرایی) (Realism)         |
| ۹۸   | ناتورالیسم (Naturalism) یا طبیعت گرایی |
| ۱۳۹  | سمبولیسم (Symbolism)                   |
| ۱۶۷  | اکسپرسیونیسم (Expressionism)           |
| ۱۹۰  | «دادائیسم» (Dadaism)                   |
| ۱۹۹  | پایان کار دادائیست ها                  |
| ۲۰۱  | سوررئالیسم (Surrealism)                |
| ۲۰۹  | اگزیستانسیالیسم (Existencialism)       |
| ۲۲۹  | سایر سبک های ادبی                      |

### سخن نویی ده:

از اولین لحظه‌ای که بشر دست به آفرینش گری هنری زد، روش‌ها و سبک‌های خاص را نیز در پیش گرفت. مصابعی که چندان عمیق در آثار نقاشی دیوار غارها در دوران پارینه سنگی یعنی حدود سی هزار سال پیش می‌دهد که گرچه بشر آن دوران در نقاشی این قبیل دیوارها هر آن‌چه را که می‌دید و استنباط می‌کرد روی دیوار ترسیم می‌ساخت و بدین ترتیب نقاشی واقع‌گرایانه و گاهی نیز طبیعت‌گرایانه به وجود می‌آورد لیکن در دوران متأخرتر و همزمان با پیشرفت نیروی انزایشه‌ای که او دیگر ضرورتی ندید که تصویر را دقیقاً روی مدل واقعی طراحی و اجرا کند بلکه تنها به کمک چند خط ساده منظور خود را بیان می‌کرد بدین جهت است که در هنر بسیار کهن در کنار تصاویر فراوان واقع‌گرایانه و طبیعت‌گرایانه بعضاً نیز نماد و استعاره را در هنر خود دخالت می‌داد.

مطالعه نقاشی‌های فراوان در نمادهای دوران پارینه سنگی مبین این نکته است که گفته شد ولی در این مقاله مختصر هدف این نیست که سبک‌های هنری دوران پارینه، میانه و نوسنگی یا عصر مفرغ و دوران آهن در تمدن‌های کهن، متأخر، معاصر و جدید بررسی گردد زیرا چنین مطالعه و بررسی در حیطه تاریخ هنر است که خود مقوله‌ای جداست

بلکه می‌خواهیم سبک‌های ادبی را مورد مطالعه قرار دهیم. گرچه در میان ۶ هنر کلاسیک و باستانی جهان، شعر و ادبیات نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (شش هنر کلاسیک مذکور عبارتند از: رقص، آواز، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی و شعر و ادبیات) لیکن مطالعه در مورد آن خواه ناخواه به حیطه هنر نیز می‌گردد لیکن ادبیات خود آن‌چنان جایگاه رفیع و والا و از طرف دیگر آن‌چنان گسترده، عمیق و فراگیر دارد و در طول هزاران سال تاریخ تمدن، برای جای خاص را احراز کرده و مقام ارجمندی یافته که بررسی جداگانه آن و سبک‌هایی که به وجود آمده‌اند در خور توجه و تعمق‌اند از دورانی که ادبیات به عنوان یکی از تعینات و اساسی‌ترین عواطف لطیف و فرهیخته انسان مقام ویژه خود را یافت تاکنون حوادث بسیاری بر آن گذشته است. تاریخ ادبیات جهان نشان می‌دهد که این هنر همچون تاریخ بشری گذر زمان، احوال، طوفان‌ها و حوادث بسیاری را طی کرده و نسل به نسل، قرن به قرن و هزاره به هزاره تکامل و تعمق فراوانی یافته است. از تدوین دو اثر جاودانی ادبیات کهن جهان و رمان «تئو ایلپاد» اودیسه توسط هومر دو هزار و هشتصد سال و از تدوین نمایشنامه‌های تراژیک این دمار توسط نمایشگاه نویسانی چون ایشیل، سوفوکل و اوری پید حدود دو هزار و پانصد سال گذشته و اهمیت و زیبایی این آثار ارزشمند جاویدان هنوز هم قابل توجه است. به آن‌چه این تراژدی‌نویس قرن هفدهم فرانسه گفته است... من از اوری پید تقلید می‌کنم و انتخاب می‌کنم به این تقلید. در واقع آثار تراژیک یونان باستان به این دلیل از ارزش‌های فراوان برخوردارند که از شیوه‌های خاصی تبعیت می‌کند که ما امروز به سبک «کلاسیسیسم» می‌شناسیم. متنی که قوانین و ویژگی‌های این سبک را مورد توجه قرار می‌دهیم متوجه ارزش‌های اصالت آثار آن‌ها می‌شویم که بی‌گمان هر نوع شک و شبهه را در مورد این سبک برطرف کرده و آن‌ها را گر اهمیت آن می‌گردد.

هنر کلاسیسیسم یونان در شعر و ادبیات نمایشنامه‌نویسی، مجسمه‌سازی و نقاشی آن‌چنان صلابت و هیئت اصالت و اهمیت دارد که پس از هزار و صد سال متروک ماندن و طرد شدن از طرف کلیسا به عنوان هنر کفرآمیز بلافاصله پس از نهضت رنسانس دوباره

احیاء می‌شود و هنرمندان بزرگی چون فرانسوا پترارک، ژان راسین، میکال آنژ را قائل و دیگران را به سوی خود می‌کشد و براساس قوانین و ویژگی‌های آن آثار ارزشمندی به وجود می‌آورند که امروز از جمله شاهکارهای هنری جهان محسوب می‌شوند.

در کتابی که پیش رو قرار دارد سبک‌های مختلف ادبی که پس از نهضت اومانیسم (Humanism) و رنسانس در اروپا به وجود آمد و کلاسیسیسم خوانده شد تا مکتب‌های ادبی قرن بیستم و نیز جدیدترین این مکاتب یعنی مدرنیسم، پست مدرنیسم و آوانگاردیسم همگی در شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پا گرفتند و ظهور مکاتب متعددی را به دنبال ساختند و همین علت به وجود آمدن سبک خاص ادبی است که اهمیت بسیاری در دو لایه است که هنر دوستان عزیز به دلایل پدیداری هر سبک که منطبق با شرایط اجتماعی در هر مقطع این که کدام نویسندگان و کدام آثار مربوط به سبک ادبی خاص هستند اهمیت بسیار دارد. یکن مهم‌تر از آن تشخیص و مطالعه در بستر اجتماعی و دلایل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به وجود آمدن سبک خاص است. برای این که اهمیت این امر روشن شود فقط به طریقی ایزد زلال باند می‌کنیم که مثلاً چرا کلاسیسیسم پس از رنسانس به وجود آمد و زودتر یا بعدتر از آن آمد، چرا رومانتیسیسم پس از انقلاب صنعتی و جابه‌جا شدن جمعیت شهرها و روستاها و به هم خوردن ترکیب جمعیت و ظهور اقشار و طبقات جدید اقتصادی پدیدار شد. چرا نهضت کلاسیسیسم (طبیعت‌گرایی) فقط در سال‌های بین ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۰ در اروپا به وقوع پیوست و بستر و بارودتر این اتفاق نیفتاد و باز نکته بسیار مهم این که چرا هر سبک در کشوری به خصوص در این گشت مثلاً کلاسیسیسم در ایتالیا رومانتیسیسم در انگلستان و ناتورالیسم در فرانسه پدیدار شدند که این نیز به ویژگی‌های هر سبک ادبی و نیز شرایط اقتصادی سیاسی - اجتماعی و فرهنگی هر جامعه و گذشته تاریخی آن مربوط می‌شود.

در مطالعه سبک‌های ادبی جهان در این کتاب تا چند سعی خواهند شد حتی‌الامکان و تاجایی که میسر است به همه سوالات مطرح شده فوق پاسخ مقتضی داده شود یعنی علت و علل ظهور و زوال هر سبک ادبی در مقطع زمانی و مکانی خاص یعنی هر سرزمین و

بسترهای لازم فراهم آمده جهت این منظور ویژگی‌های هر سبک و نیز نویسندگان و آثاری که در هر کدام از سبک‌ها به وجود آمدند بررسی گردند.

لیکن از آنجایی که بررسی موارد فوق و نیز همه ویژگی‌های سبک‌های ادبی اعم از مهم و غیر مهم کتابی حجیم، مفصل و قطور را به دست خواهد داد و همچنین بیان و تحلیل هر آن که در کتاب گفته شده است مدت زمان بس طولانی را می‌طلبد.

بنابرین حاضر به هیچ وجه یک کتاب کافی در خصوص معرفی سبک‌های ادبی محسوب نمی‌شود زیرا این سبک‌های مختلف آن قدر زیاد و دامنه بحث پیرامون هر سبک آن چنان وسیع و مفصل است که بررسی کافی از آن‌ها ده‌ها جلد کتاب را در بر می‌گیرد لیکن سعی شده است که به طور بسیار فشرده و حتی الامکان مختصر و مفید تا حدی که مقدور است معرفی قابل قبول و سزاوارت از سبک‌های ادبی جهان ارائه شود و نیز کوشش خواهد شد که به ادبیات معاصر ایران و تأثیر آن از سبک‌ها نیز اشاره‌هایی شود زیرا نویسندگان بزرگ معاصر همچون زنده یادان محمد علی جمال‌زده، صادق هدایت، صادق چوبک، بهرام صادقی و نیز بزرگان ادبی در قید حیات، در آثار سبک‌های ادبی جهان برکنار نبودند.

## مقدمه

از اوایل قرن بیستم میلادی، به بعد اکثر تمدن‌ها و ملت‌های اروپایی که در قرون قبل عقب مانده ابتدایی و متخلف بودند در منحصراً مناطق کوچکی بودند به تدریج شروع به رشد کردند. آن‌ها تحت تاثیر دو تمدن کهن و بزرگ یونان و روم، میراث بر بحقی شدند و به خوبی توانستند بهره لازم را بگیرند. علاوه بر این تاثیر تمدن متأثر از مسیحیت ناچار به اتخاذ روش نوینی شدند که همگی این مناسجه و بود تمدن‌های کهن و نیز دیانت مسیحی بود که البته تاثیر تمدن شرق و به خصوص تمدن اسلامی را که پس از جنگ‌های صلیبی جامعه بزرگ و عقب مانده و قرون وسطایی اروپا را در لرزه انداخته بود، به هیچ وجه نمی‌توان منکر شد زیرا اروپا در قرون وسطی و ابتدای گسترش دین مسیحیت درخشش چندانی نداشت و در واقع پس از جنگ‌های صلیبی در قرون دهم تا دوازدهم آشنایی اروپاییان با تمدن در حال اعتلای اسلامی در شرق بود که کشورهای اروپایی شروع به شرف‌همه جانی کردند.

تاثیر یافتن اروپاییان از تمدن اسلامی پس از جنگ‌های صلیبی و نیز میراث بزرگی که از تمدن‌های یونان و روم باستان و همچنین تاثیر عمیق و تعیین کننده تمدن حاصله از دین مسیحیت بر سرتاسر قاره باعث شد تا فرهنگ‌های اقوام و ملل مختلف این قاره با یکدیگر تماس بیش‌تری داشته باشند. و با مزوج شدن تمدن‌های یونان، روم مسیحیت و اسلام و

نیز فرهنگ بومی و محلی هر سرزمین، طرز فکر، روش زندگی و فرهنگ و به طور کلی تمدن به صورت واحد و فراگیر در اروپا به وجود آید که در طی چند قرن قاره را دگرگون کند و تأثیرات شگرفی بر جای بگذارد که همه اقوام و ملل قاره‌های کره زمین را تکان دهد.

تمدن کهن یونان و روم از قرن ششم قبل از میلاد آغاز و تا اواخر قرن چهارم میلادی ادامه یافت و پس از آن نیز با عناصر پدیدۀ‌های مربوط به دیانت مسیحیت ترکیب شد و بعد از حمله‌های صلیبی تأثیرات تمدن در حال اعتلای اسلامی نیز به آن اضافه گشت و تمدن یکپارچه و یکدسته در اروپا پا گرفت که چنانچه گفته شد همه سرزمین‌ها و کشورهای این قاره را تغییر داد به طوری که از شمال اروپا یعنی ممالک اسکاندیناویا (نروژ، سوئد و دانمارک) و نیز هند، الجزایر، عرب این قاره یعنی اسپانیا، پرتغال و یونان را تحت تأثیر این دگرگونی قرار دارد. در مقلع زمانی محدودی توسعه، پیشرفت، رشد و ترقیات همه جانبه شگفت‌انگیزی پدیدار ساخت که امروز به خوبی شاهدیم.

پس از سقوط تمدن باستانی روم در قرن چهارم میلادی و استقرار مسیحیت، دستگاه متفرعانه و ستمگرایانه کلیسا و پاپ نیز در اروپا گسترده شد که مدت حداقل هشت قرن یعنی تا حدود سال‌های ۱۴۰۰ میلادی ادامه یافت و بعد از آن بود که تلاش‌های فراوانی جهت حفظ وحدت و یکپارچگی تمدن‌های گذشته در جهان آن اچیان آن‌چه که هنر کلاسیک نامیده می‌شد به عمل آمد لیکن به خاطر استیلا و سلب همه جانبه کلیسا بر سرناسر اروپا این کوشش‌ها به نتیجه نرسید. با وجود این تمدن درخشان به آن چون آتش فروزنده از زیر خاکستر جهل و خرافات کلیسای قرون وسطی سربلبلد و پس از رنسانس مجدداً درخشیدن گرفت به طوری که می‌توان گفت فرهنگ رنسانس امری اروپا را که در قرون گذشته موجب شکوفا شدن هنر، فلسفه، دانش، ادبیات و صنعت شد تا حد قابل توجهی بایستی متأثر و منتج از تمدن‌هایی دانست که پایه‌هایش در یونان و روم استوار گشته بود. به عنوان مثال زبان لاتین که زبان کلیسا در قرون وسطی بود و بسیاری از زبان‌های امروزی اروپا در بسیاری از زمینه‌ها چون تدوین قوانین شرعی و عرفی تألیف

کتب فلسفی و دایره المعارف‌ها، نظم و نثر اشعار و مطالب حماسی - غنایی و تغزلی بود و در قرون دوازده و سیزده زبان زنده‌ای به شمار می‌رفت این زبان در واقع زبان مردم روم باستان بود که خود این تمدن زبان مذکور را از قومی ابتدایی به نام لاتین (Latani) که اجداد و نیاکان رومیان محسوب می‌شدند گرفته بود لذا لاتینی که مراسلات و کتب کلیسایی با آن نوشته می‌شد و پس از رنسانس نیز مورد استفاده و استقبال کلاسی سیم قرار گرفت از لحاظ صرف و نحو و شکل نگارش و واژه‌ها تاثیر پذیرفته از زبان کهن لاتین بوده است.

چنانچه گفته شد زبان لاتین منحصر به پذیرش آن از طرف کلیسا نبود بلکه پس از رنسانس و پیش ادبیات مرسوم به کلاسی سیم، بزرگان ادبی که خود را پیرو این مکتب می‌دانستند جهت تالیفات خود این زبان را پیشه خود ساختند و آن را بر زبان ملی خویش ترجیح دادند.

در اواخر دوران قرون وسطی به خصوص قرون یازدهم تا چهاردهم میلادی در اکثر کشورهای اروپایی اولین نطفه‌های کویته حیات مجدد ادبیات ملی آغاز می‌شود در قلب این منطقه وسیع و متحدی که یک پهنای بی‌پایان مشترک یعنی زبان لاتین وجود داشت ملت‌های متعددی سر بر می‌دارند که ابتدا از یکدیگر فاصله می‌گیرند و زبان فرهنگ، سواد، اندیشه که قبلاً در حیطه اختیار گروهی محدود، محدود از نخبگان جامعه، باسوادان و روشنفکران بود به تدریج فراگیرتر می‌شود. احساسات درک ویژگی‌های قومی و ناسیونالیسمی و با حفظ این ویژگی‌ها نخست به خودباور ملی می‌رسند و سپس با حفظ دستاوردهای بومی، محلی، قومی و ملی اصیل خود شروع به پیش بردن پرامون خارج می‌کنند در ابتدای امر جنبشی در میان اقوام اسکاندیناوی، ایرلند و آلمان آغاز می‌شود و به تدریج به شمال اروپا، و سایر اسکاندیناویائی و ژرمنی می‌رسد و بالاخره به جنبه اروپا می‌گردد. نگاهی کوتاه به تاریخ دو هزار ساله اروپا نشان می‌دهد که پس از ظهور مسیحیت و پایان کار تمدن روم ابتدا اقوام گوئ و ژرمن به سرزمین‌های امپراطوری روم حمله می‌کنند و در دانمارک، هلند، بلژیک و دیگر سرزمین‌ها تمدنی را که متداول بود محو می‌کنند و سپس نوبت اقوام گل یعنی فرانک‌های ساکن در فرانسه امروزی و شبه

جزیره ایبری (اسپانیا) می‌رسد و عاقبت در کشورهای که زبان مردمشان کاملاً متأثر از زبان قدیمی لاتین بود مانند ایتالیا، زبان لاتین زیر ضربه قرار می‌گیرد و شاید اگر استیلا و حکومت مقتدرانه کلیسا در قرون وسطی نبود و زبان لاتین به عنوان زبان رسمی کلیسا پذیرفته نمی‌شد امروزه از این زبان اثری چندان بر جای نمی‌ماند و شاخه‌های متعدد زبان لاتینی، زبان‌های مسلط بر اروپا بودند.

به هر حال بر پیکره زبان لاتین تازیانه توفان حوادث فراوان کوفته شده است که البته رشد آثار و احساسات ناسیونالیسمی و بیداری ملت‌های اروپایی در این میان نیز موثر بوده است به ضروری که اقوام مختلف سرزمین رومانی و اطراف آن در قرن شانزدهم خود را از زیر سلطه زبان لاتین آزاد ساختند و با روی آوردن به زبان ملی، ادبیات خاص خود را رشد دادند و در این میان پدید آمدن جدلی قدم به عرصه وجود گذاشت که باز زبان و ادبیات اروپا را قرن‌ها تحت تأثیر قرار داد. آن ظهور و حضور ترکان عثمانی بود که به طور موثر پس از سال ۱۴۵۳ یعنی سقوط کنتانتینوپول مرکز تمدن مسیحی - ارتدوکسی بیزانس به دست سلطان محمد فاتح و سربرسش و استقرار و تمدن پانصد ساله اسلامی - ترکی خلفای عثمانی، سرزمین‌های اروپایی را به جانبی چه نظامی و سیاسی و چه فرهنگی تحت بورش و تأثیر قرار داد که البته حکومت چنین ساله مملکتان مور (Moor) (مغرب و الجزایر) بر اسپانیا را نیز نبایستی ندیده گرفت زیرا این حفای در سرزمین‌های اروپایی و به خصوص اسپانیا چشمگیر بود.

پیدایش سبک‌های ادبی گوناگون پس از ظهور رنسانس در اروپا و به تبع آن در تاریخ ادبیات اروپا دلایل متعدد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی دارد که یک دلیل مهم آن چندان مهم و تعیین کننده تکامل زبان ملل این قاره بوده است. به طوری که از قرن شانزدهم سی اوج نهضت اومانیزم (Humanism) و رنسانس سبک‌های هنری به ویژه در ادبیات پیدا شدند و مکتب کلاسیسیسم که با اصول مدون و قالب و قواعد مشخص خود اولین سبک ادبی پس از رنسانس بود که به طور وسیع ادبیات ممالک اروپایی را در نوردید و قوانین خود را مستقر ساخت و در ادبیات اکثر کشورهای این قاره تأثیر گذاشت؛ چنانچه گفته شد متکی بر زبان

لاتین بود. به طور کلی از زمان به تحلیل رفتن زبان کلیسایی لاتین در اروپا تا اواخر قرن شانزدهم که عصر پس از پیدایش اومانیزم و اوج رنسانس بود در ادبیات اروپایی نهالی کاشته شد که در قرون بعدی میوه‌های شیرینی به بار آورد.

سبک‌های ادبی که پس از رنسانس به وجود آمد نتیجه تاثیر شیوه‌های ادبی کهن یونان و روم بود. این سبک‌های ادبی و هنری اختراع یک یا چند هنرمند و ادیب برگزیده و حتی گاهی نایبه نبودند تا دفتراً و یک شبه ظهور کرده باشند یا عده‌ای روشن فکر تصمیم بگیرد مکتب یا سبک خاصی را با بیانه‌ای رسمی اعلام کنند. بلکه شرایط اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در هر مقطع تاریخی در به وجود آمدن این سبک‌ها بسیار موثر و حاکم‌ترین و مهم‌ترین دلیل بوده‌اند. به علاوه سبک‌ها و شیوه‌های هنری و ادبی، پیوسته به صورت پهنه و آشکار وجود داشته‌اند. به جز این که در دوره‌ای از تاریخ ادبیات و بنا به عللی که گفته شد اقتصادی و اجتماعی یک سبک یا مکتب معین بر دیگر شیوه‌های ادبی و هنری تسلط بیش از دیگری یافته است. لذا می‌توان دریافت که پیدایش و پیشرفت یک مکتب مربوط به زمان، مکان و شرایط خاصی است که می‌توانسته آن را سانه و حیاتی طولانی به آن بدهد. بنابراین سبک را باید توجه به این تحلیل به جای عنوان مکتب دوره یا عصر به آن اطلاق کرد زیرا مثلاً سبک رنسانس از آن که نماینده یک مکتب باشد مبین یک عصر - دوره و مقطع زمانی از تاریخ ادبیات است. لیکن برای سهولت کلام و تعیین یک خط مشی مشخص واژه سبک، انتخاب می‌کنیم و این نیز اضافه می‌شود که مفهوم سبک و مکتب با هم متفاوت و هر یک دارای کاربردهای منحصر به خود را دارند لذا به کار بردن این دو واژه به جای یکدیگر صحیح نیست. البته اگر ممکن گردد و باعث طولانی و حجیم شدن این جزوه مختصر نشود دو واژه سبک و مکتب به طور کامل تعریف می‌شود و تفاوت‌هایشان مشخص می‌گردند.

نکته‌ای که لازم است گفته شود این است که از کلاسیک تا مدرن که ده‌ها سبک مهم و نیمه مهم به وجود آمدند و متروک شدند پیوسته شاهد این اتفاق بوده‌اند این که این سبک‌ها در دو طبقه کاملاً مشخص از یکدیگر قرار می‌گیرند یکی سبک‌های

یعنی گرایانه، برون‌گرایانه، ملموس و شینی‌گرایانه یا اوبژکتیویسمی (Objectivism) و دیگر سبک‌های ذهنی‌گرایانه، درون‌گرایانه، غیر ملموس و به اصطلاح موضوع‌گرایانه یا سوبژکتیویسمی (subjectivism) تعیین این‌که هر سبک دقیقاً در کدام یک از این دو گروه‌بندی قرار می‌گیرند کاری مشکل و حتی غیرممکن است زیرا به خصوص در هنر و ادبیات که از یک طرف با احساسات، آرمان‌ها، هنجارها تعینات و نهادهای روحی و انشائی آدم‌ها تا حد زیادی ارتباط دارد و از طرف دیگر از تاثیر عوامل اقتصادی سیاسی اجتماعی و فرهنگی محیط بر کنار نیست به هیچ وجه نمی‌توان به طور قطع و یقین گفت که سبک کاملاً اوبژکتیویسمی و سبکی دیگر سوبژکتیویسمی است چرا که در آثار مربوط به سبک اوبژکتیویسمی (برون‌گرایانه) ویژگی‌های درون‌گرایانه، احساسی و غیرملموس هم برآید است و برعکس در آثار سوبژکتیویسمی تاثیر حوادث بیرونی و ملموس اقتصادی سیاسی و اجتماعی مشاهده می‌کنیم لیکن اولاً بنا به شرایط اجتماعی در مقطع به وجود آمدن هر سبک، شرایط همه جانبه روحی، تربیتی، فرهنگی و از همه مهم‌تر پایگاه طبقاتی هنرمند با هنرمندان وابسته به یک سبک بخصوص و بالاخره قوانین دستورات، ویژگی‌ها و مقرراتی که برایشان یک تدوین، تبیین و تعیین می‌شود و همچنین سوانق، ذائق، علایق و سلاطین مخاطبین هر سبک که در واقع مصرف‌کنندگان آثار هنری ادبی و فرهنگی در هر مقطع زمانی از یک جامعه بزرگ، مایه‌ت و طبعاً آثار ادبی و هنری برای آنان به وجود می‌آید و در یک جمع‌بندی تحلیل محتوای هر اثر و این ویژگی‌ها و بخصوص قوانین و ویژگی‌های سبک‌ها و نیز مطالعه دقیق پیرامون آثار هر سبک و ادبی هر سبک بخصوص می‌توان به طور تقریبی نه تحقیق و قطعی تعیین کرد که فایده این آیا در ردیف آثار سوبژکتیویسمی، قرار می‌گیرد یا اوبژکتیویسمی پهنه فعالیت سبک‌های ادبی عمدتاً ادبیات غیرنمایشی یعنی رومان، ناول (داستان کوتاه) و شعر را در برمی‌گیرد لیکن از آنجایی که ادبیات و نمایش از دیرباز ارتباط نزدیک و منسجمی با یکدیگر داشته‌اند لذا خواه ناخواه دامنه گسترده سبک‌های ادبی به حیطه نمایشنامه‌نویسی یعنی ادبیات دراماتیکی نیز کشیده شده است و در این پهنه نیز با درامنویسان بزرگی آشنا هستیم که

آثارشان به یکی از سبک‌های ادبی نزدیک است و ویژگی‌های شناخته شده آن سبک را دربر دارند. لذا اگر فرصتی بود به جایگاه و عملکرد برخی از این سبک‌ها در پهنه نمایش و نمایشنامه‌نویسی نیز خواهیم پرداخت.

می‌دانیم که از دوران کهن، ادبیات، هنر و فرهنگ از یکدیگر متأثر بودند و با این که چندان مرآمده و ارتباطی میان ملت‌ها وجود نداشت لیکن مشترکات زیادی در میانشان مشاهده شده است. از قرن چهارم به بعد و با ظهور کلاسیسیسم که بعدها منجر به پیدایش سبک‌های دیگر شد مشاهده می‌شود که این سبک‌ها همگی از یکدیگر متأثر بودند و حتی میتوان گفت که هر سبک، سبک جدید را به وجود آورد. از لحاظ تقدم و تاخر تاریخی از ابتدای آن چهار سبک تاکنون سبک‌های قابل‌اهمیتی به دنبال یکدیگر و یکی پس از دیگری استقرار یافته‌اند. نکته‌ای مهم را لازم است در نظر داشته باشیم این که نبایستی تصور شود که یک سبک ادبی زمانی ظهور یافته که سبک قبلی‌اش به پایان خود رسیده است. به عبارت دیگر یک سبک نمی‌تواند قایمست که وقتی در آتش می‌سوزد و محو می‌شود از خاکسترش عنقای جران‌داری به وجود آید. این اندیشه که یک سبک وقتی از بین رفت بلافاصله سبک جدیدی برپا می‌آید اشتباه است بلکه تحلیل منطقی‌تر این است که بگوئیم وقتی شرایط اجتماعی که باعث به وجود آمدن سبکی شده است به تدریج تغییر می‌یابد و ضرورت وجودی آن سبک ضعیف می‌شود. ویژگی‌هایش در جامعه نوین جایگاهش را از دست می‌دهد و سبک نوین را سرایان جدید به وجود می‌آید که با سبک قبلی تفاوت‌های زیادی دارد. بنابراین پدیداری سبک جدید برای این است که شرایط جدید ظهور سبک دیگری را ضروری می‌سازد پس در حالیکه سبک قبلی هنوز به زحمت خود را سر پا نگه می‌دارد سبک جدید شروع به زایش می‌کند. این در سبک یکی کهنه و دیگری نوین مدنی به موازات هم به حیاتشان ادامه می‌دهند و آن‌ها مختصر به خود را به وجود می‌آورند و سبک کهنه به تدریج متروک می‌شود و سبک نوین به بالندگی خود ادامه می‌دهد تا این که باز با تحولات جدیدتر اجتماعی سبک جدیدی ظهور می‌کند و این سیر ادامه می‌یابد و حتی ممکن است تحولات اجتماعی آن‌قدر پیچیده،

متنوع، دگرگون‌کننده و تغییردهنده باشد که چندین سبک در یک مقطع زمانی به وجود بیاید همان‌طور که در قرن نوزدهم دو سبک ادبی کاملاً متفاوت و متمایز از هم یعنی رومانتیسیسم و رئالیسم به طور موازی پیش رفتند و در هر دو سبک آثار ارزشمند و قابل توجهی پدیدار شدند و یا این که در فاصله سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱ دو سبک متفاوت و حتی متضاد سمبولیسم و ناتورالیسم به وجود آمد و جالب این که هر دو این سبک‌ها در راسه پدیدار شدند و انطباق زمانی شروع بالندگی و اوج و سقوط این دو سبک متفاوت کاملاً یکی بود.

با مختصر گفته بالا، حال اگر از لحاظ تقدم و تاخر تاریخی از قرن پانزدهم یعنی ابتدای پیدایش سبک کلاسیسیسم تا اواخر قرن بیستم یعنی ظهور سبک‌های هنری و ادبی چون مدرنیسم، پست مدرنیسم و آوانگاردیسم سبک‌های به وجود آمده به دنبال یکدیگر و استقرار یافته یکی پس از دیگری به این اهمیت مشخص کنیم به ترتیب زمانی عبارت خواهند بود از کلاسیسیسم، رومانیسیسم، رئالیسم، سمبولیسم، ناتورالیسم، امپرسیونیسم، اکسپرسیونیسم، کوبیسم، وریسم، فوتوریسم، دادائیسم، سوررئالیسم، نئورئالیسم، اکزیستانسیالیسم، مدرنیسم، آوانگاردیسم، پست مدرنیسم.

اگر چنانچه گفته شد بخواهیم به طور نسبی سبک‌ها را در دو طبقه اوبژکتیویسمی و سوژکتیویسمی جای دهیم ناچار از اتخاذ روش زیر خواهیم بود.

سبک‌های اوبژکتیویسمی (Objectivism): کلاسیسیسم، رئالیسم، ناتورالیسم، وریسم و تا حدی امپرسیونیسم و نیز نئورئالیسم.

سبک‌های سوژکتیویسمی (Subjectivism): رومانتیسیسم، سمبولیسم، اکسپرسیونیسم، فوتوریسم، فوتوریسم، دادائیسم، سوررئالیسم، اکزیستانسیالیسم، مدرنیسم، آوانگاردیسم، پست مدرنیسم.

تفاوت بارز بین دو دیدگاه اوبژکتیویسمی و سوژکتیویسمی در واقع دو نوع جهان‌بینی و استنباط هنرمند از جهان پیرامون خویش است. هنرمند اوبژکتیویست (objectivist) کار

خود را صرفاً گزارش‌گری از حوادث بیرونی می‌داند و از داخل و تصرف و اعمال نظرات، افکار و عقاید خود در اثرش خودداری می‌ورزد و سعی نمی‌کند نظرات شخصی خود را در کارش دخالت دهد بلکه اثرش را انعکاس واقعی جهان پیرامون و متعلق به جامعه و مردم می‌داند و سعی می‌کند خود را بی‌طرف و تنها یک ناظر صدیق در انعکاس حوادث و دنیای بیرون بداند در صورتی که هنرمند سوژکتیویست (subjectivist) نسبت به اثرش احساس انحصارگری دارد. او اثر را متعلق به خود و انعکاس یافته افکار و احساسات خویش می‌داند. سیران فکر هنرمند سوژکتیویست خیلی پیش‌تر از اوبژکتیویست است. او به ماورای واقعیت چه از در واقعیات برتر را آن‌طور که خود کشف کرده است می‌شناسد و جهان روح را در مقایسه با کل واقعیت خرد و ناچیز می‌شمارد. لذا به‌طور خیلی خلاصه می‌توان گفت که یک اثر اوبژکتیویستی انعکاس جهان خارج از هنرمند است در هنر او لیکن اثر سوژکتیویستی انعکاس اندیشه و احساسات هنرمند است. در هنرش گرچه این احساسات متأثر از جهان خارج و پیرامون او باشد.

در خاتمه این مقدمه پیش از این در بررسی فصول هر یک از سبک‌های ادبی بپردازیم جهت آشنایی مختصر و اولیه خوانندگان عزیز به‌طور خیلی خلاصه و در چند سطر هر سبک ادبی مهم معرفی می‌شود.

کلاسیسیسم (classicism) به مجموعه ارزش‌ها، ضوابط و معیارها، شعر و ادبیات بخصوص ادبیات نمایشی در یونان و روم باستان اطلاق می‌شود و ویژگی‌های این سبک را می‌توان چنین برشمرد: اصل عقل، تقلید از طبیعت، تقلید از قدما، نزاکت ادبی، ریاض و نظم‌مند بودن، وضوح و ابجاز، حقیقت‌گویی و حقیقت‌نمایی و نیز قوانین وحدت چون: وحدت زمان، وحدت مکان و وحدت موضوع و وحدت لحن. البته گاهی نیز اصطلاح کلاسیسیسم را به هر اثر هنری ارزنده که از قانون و قواعد مشخص، مدون و منطقی پیروی کند و دارای قوانین و مقررات از پیش تعیین‌شده ارزشمند و ماندگار باشد اطلاق می‌کند.

رومانتیسیسم (Romanticism) در هنر نمایشی رومانیسیسم به جریانی گفته می‌شود که در قرن

مجموع به وجود آمد و در برابر کلاسیک‌ها نظرات و عملکردهای جدیدی ابراز داشت که مجموع قوانین این سبک تلفیقی گشت از جمله: آزادی در خلاقیّت از لحاظ شکل و درونمایه توجه به احساسات و عواطف، جستجوی عشق و افتخار، شکستن وحدت‌های زمان، مکان، موضوع و لحن، طرح موضوع و ستایش زیبایی‌های طبیعت. توجه به تخیل و حضور شخصیت‌های ملی و گاهی فوق طبیعی، زبان مطمئن و باطمینان، صحنه‌پردازی مجلل، برگذاشت قهرمانان ملی... مجموعه این‌ها ویژگی‌های سبک رومانتیسیسم را شامل می‌شوند که در ادبیات نمایشی و غیره نمایشی پیوسته رعایت می‌شود.

سمبولیسم (Symbolism) سمبولیست‌ها انسان را موجودی می‌دانستند که در جستجوی معانی و مفاهیم نمادین در زندگی است. بنابراین انسان موجودی نمادپرور، نمادساز و نمادیاب است و به زعم بسیاری از متفکران و هنرمندان در جهان حقایق محض، باطنی، رمزآمیز و معنی‌گونه‌ای زندگی می‌کند که فقط با نمادها و سمبول‌ها قابل کشت، مشاهده و نمایش‌اند. به عقیده برخی موسیقین، با نوازی اولیه و باستانی این طرز تفکر و مکتب افلاطون بوده است زیرا وی معتقد به جهان مثل (چون تخیلی، صور مثالی، الگوهای کهن و یا به قول کارل یونگ روانکاو سونیسی آرک‌تایپ‌ها (Archetypes)) بود و به عقیده او آنچه انسان به منزله واقعیت می‌بیند پوسته روی از حقیقت است و هنرمندان پیرو این نظریه نمادگرایی، در تکاپوی یافتن و دیدن آن سنجش محض سیاه و سفید بودن و ویژگی‌های مکتب سمبولیسمی این است که این سبک در مخاطبانش (در تئاتر و باشاگران) گونه‌ای سیر و سیاحت ذهنی و درونی را برمی‌انگیزد. ضمناً دارای جنبه‌های آری و آفرینش موسیقایی است و شعر و موسیقی و هنرهای تجسمی در آن نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند و در واقع این سبک از سایر هنرها برای موفق بودن در ارائه اثر یاری می‌گیرد و عاقبت شخصیت‌های داستان، رومان و نمایشنامه‌های این سبک تا اندازه‌ای از ابهام ابهام و رمز و راز ساخته و پرداخته شده‌اند.

ناتورالیسم (Naturalism) طبیعت‌گرایان هنر را به پیروی از علوم طبیعی به سوی مشاهده، ثبت، ضبط، مطالعه، توصیف و تبیین پدیده‌های فردی و اجتماعی سوق می‌دهند و همه این

پدیده‌ها را منتسب و مربوط به طبیعت، محیط و توارث می‌دانند. از طرفداران سرسخت این سبک که ضمناً موسس آن نیز بوده است امیل زولا رومان‌نویس و ناول‌نویس بزرگ فرانسه را بایستی ذکر کرد که نه فقط خود بلکه از دیگران هم می‌خواست تا آثارشان را به شیوه و سبک ناتورالیسمی خلق کنند. در میان داستان‌نویسان کشور خودمان نیز می‌توان از زنده یاد صادق چوبک در داستان‌نویسی که آثارش به این شیوه نزدیک بوده نام برد.

برگه‌های ناتورالیسم را به طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد. جبر محیطی عامل مسلط بر سرنوشت انسان است و شخصیت‌های آن بیش‌تر افرادی مطرود، محروم، نکبت‌زده، گرفتار، مصلوب و افشار پایین اجتماع هستند. اشخاصی چون الکلیها، معتادان، ولگردان، اناجی، گداان، دزدان و بزه‌کاران. در آثار ناتورالیست‌ها از طرح کلی یا طرح داستانی خوددار می‌سازند و در تمام شیئی از زندگی یا بخشی از یک حادثه کلی با همه حوادث و اتفاقات فرست‌باز آن وقایع بیان می‌شوند. درام ناتورالیسمی که تقریباً به رئالیسم نزدیک است از نظر محتوا آرائی، فضا سازی، طراحی و اجرا، کاملاً واقعی، مرئی، عینی و ملموس است و هیچ گونه کیه و تملی در آن به چشم نمی‌خورد.

گفتگوها در داستان‌ها و نمایش‌های ناتورالیستی روزمره، عامیانه، ساده، عوامانه و واقع‌گرایانه است و حتی برای هر چه بیش‌تر نزدیک شدن به زندگی قهرمانان که عموماً از مطرودین، محرومین و محکومین جامعه هستند از الفاظ بسیار سوامان، که به بازاری حتی رکیک و مستهجن به وفور استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه این که در این سبک اخلاقی، فرجام خوشایندی وجود ندارد و قهرمانان عموماً با مرگ فیزیکی، سقوط اخلاقی، فساد جسمی و جسمی و روحی، محکومیت، مطرودیت، محرومیت و غایت زندگی ناخوشایند روبه‌رو می‌شوند.

امپرسیونیسم تأثیرگرایی (Impressionism): امپرسیونیست‌ها نیز همانند سمبولیست‌ها برای قضا و حالت نمایش‌ها، حوادث، وقایع و اتفاقات اهمیتی بسزا قائلند لیکن در استنباط و ارائه این حوادث در اثر خود با نمادگراییان تفاوت بسیار دارد. امپرسیونیسم به دیدگاه برونگرایانه و عینی‌گرایانه یا اوبژکتیویسم نزدیک است و سمبولیست‌ها، سوژکتیویسم،